

## چینش اشعار در دیوان سائری

ثریا اسلامی خوا، محمد حکیم آذر<sup>۱</sup>، اصغر رضاپوریان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر کرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.  
<sup>۲</sup> هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد واحد شهرکرد شهرکرد ایران. (نویسنده مسئول)  
<sup>۳</sup> گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، شهرکرد.

نویسنده مسئول: [sorayaeslamikhoo@gmail.com](mailto:sorayaeslamikhoo@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

### چکیده

چینش اشعار در دیوان بیشتر شاعران بر اساس حروف الفبای قوافی شعر شاعر است اما بعضی از شاعران روش دیگری برای چینش شعر در دیوان خود به کار برده‌اند از جمله این شاعران سائری مشهود است. او شاعر شیعه‌مذهب دوره صفوی است که چیدمان شعرش را بر اساس تکرار چشمی واژگان قرار داده است. شگردهایی که در به کار بردن واژگان تکراری داشته باعث افزایش موسیقی، ضرب‌آهنگ، پیوستگی و انسجام متنش شده و سبک شعری خاصی را این‌گونه برای خود ایجاد کرده است. واژگان تکراری در شعرش گاهی نشانه‌های آشکار و پنهانی همراه خود دارند که به صورت آوایی و معنایی، ساختار متن را می‌سازند و بر احساس و موضوع موردنظر شاعر تأکید می‌کنند. از آنجایی که سبک جدا از جهان‌بینی، شخصیت و روحیات شاعر نیست می‌توان با شناسایی شیوه منحصر به فرد شاعر در چیدن اشعار در دیوانش، با مختصات فکری شاعر آشنا و از هدف شاعر در به کار بردن این شیوه خاص آگاه شد. هدف وی از این تکرار آگاهانه، اهمیت دادن به موضوع و جلب توجه مخاطب است، او با تلقین و تکرار، عواطف زودگذر را در ذهن‌ها رسوخ می‌دهد و اینگونه توانسته است رابطه جدانشدنی میان لفظ و معنی را به وضوح نمایش دهد. از بررسی تکرار واژه‌ها در شعرش نتیجه‌گیری می‌شود که وی شاعری معناگرا و طبیعت‌گراست. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - آماری، استفاده شده است.

**کلیدواژه:** تصحیح نسخه، سائری، دیوان سائری، شعر دوره صفوی.

### ۱. مقدمه

یکی از راه‌های شناخت طرز فکر صاحبان اندیشه، کسب اطلاعات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی، احیای آثار مکتوب، خاصه ادبیات متجلی در تاریخ و تمدن هر ملتی است که باعث انتقال فرهنگ و دانش بشری از نسلی به نسل دیگر است. مشهد یکی از مناطق فرهنگ خیز و شاعر پرور ایران است که از دوره‌های پیشین در این حوزه، کارنامه‌ای روشن دارد. این مقاله قصد بر این دارد که برای اولین بار یکی از شاعران خوش ذوق و گمنام این خطه را به جامعه علمی معرفی و سبک شعری او را پیش چشم دانش دوستان و اهل ادب بگستراند. این شاعر ناشناخته، سائری مشهور از شاعران شیعه‌مذهب قرن یازدهم دوره صفوی است. متن موردبررسی در این پژوهش، نسخه ۱ دیوان شاعر بانام «دیوان سائری» است. به خاطر رواج مذهب تشیع در دوره صفوی، شعر مدحی و درباری و به پیروی از آن، قالب قصیده از رونق افتاد و قالب‌های شعری غزل، رباعی و مثنوی - که کارایی و بسامد بیشتری داشتند - موردتوجه شاعران قرار گرفتند، با توجه به کارایی و بسامدی آن‌ها شامل قالب شعری غزل، رباعی و مثنوی است؛ دیوان سائری نیز به پیروی از این ویژگی‌های مذکور؛ شامل غزل، رباعی، یک قصیده و یک قطعه است. شعر وی مانند شعر دیگر شاعران سبک هندی دارای تازگی و غرابت است. سادگی شعر صائب تبریزی را دارد و از هر حیث قابل مطالعه است. توانسته است طرز نوی را که شاعران دوره صفوی به دنبال آن بودند به نام خود رقم بزند؛ آن طرز نوی سائری در چینش جزء جزء شعر در دیوانش است که با حلقه‌های زنجیر ماندنی به هم وصل شده‌اند. غزل یا رباعی که پی‌درپی در دیوان آمده؛ گویی با یک حلقه زنجیر که در واقع تکرار واک، هجا، واژه، عبارت و جمله است؛ به هم وصل شده‌اند به گونه‌ای که واک، هجا، واژه، عبارت و جمله‌ای را که مربوط به موضوع و حس موردنظرش است؛ در بیت مقطع غزل یا بیت پایانی رباعی می‌آورد، سپس این واژه‌ها اندیشه، عواطف و احساسات شاعر را از خود گذر داده و حس و اندیشه با تکرار همان واژه‌ها در غزل دوم تقویت می‌یابد و آن را به صورت مؤکدتری به خواننده منتقل می‌کند. از بین این واحدهای تشکیل کلام، بیشتر به تکرار واژه می‌پردازد. واژه‌ای که در بردارنده معنای موضوع و حس موردنظر شاعر باشد. به همین دلیل در این پژوهش از لفظ «تکرار واژه‌ها» استفاده می‌کنیم.

معمولاً تکرار برای اغراض زیر صورت می‌گیرد:

۱- مفید تأکید و گاهی برای اغرا و تحذیر است.

۲-گاهی برای اهمیت دادن به موضوع و جلب توجه مخاطب است.

۳-گاهی هم مفید حالت خستگی است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۰).

با توجه به سخن شمیسا، هدف سائیری از تکرار به منظور اهمیت دادن به موضوع و جلب توجه مخاطب بوده است. از آنجائی که تعداد غزلیات موجود در دیوان مذکور بیشتر از رباعیات است؛ تعداد شاهد مثال ها بیشتر غزل اند و لفظ غزل نیز بیشتر به کار می رود.

## ۲. بیان مسأله

با توجه به اینکه تصحیح نسخه های خطی کمک بزرگی به معرفی شاعران، نویسندگان و افزایش آگاهی در مورد سبک دوره های مختلف زبان و ادبیات فارسی است و تقریباً یک سده از توجه به احیاء و تصحیح نسخه های خطی می گذرد. اما هنوز بسیاری از نسخه های خطی از جمله دیوان سائیری که مربوط به قرن یازدهم است مورد توجه مصححان قرار نگرفته و تاکنون تصحیح نشده است؛ براین اساس این نسخه شایسته بررسی و تحقیق است. این تحقیق برآن است تا به معرفی شیوه چینش اشعار در دیوان سائیری بپردازد.

## ۳. پیشینه تحقیق

جهت کسب اطلاع از اینکه آیا تاکنون در خصوص دیوان مذکور، تحقیقی صورت گرفته و محصول آن در قالب کتاب، رساله، پایان نامه یا مقاله منتشر شده است، در پایگاه های اینترنتی نور مگز ([www.Noormags.com](http://www.Noormags.com))، ایران داک ([www.irandoc.com](http://www.irandoc.com)) و کتاب شناسی ملی ایران ([www.nlai.ir](http://www.nlai.ir)) و پایگاه های اطلاع رسانی دانشگاه ها و کتابخانه ها جستجو شد و حاصل این جستجو بیانگر این بود که تاکنون در خصوص دیوان مذکور، تحقیقی صورت نگرفته است. تنها نام شاعر و اطلاعاتی پراکنده ای در مورد شاعر در برخی از تذکرها از جمله: آتشکده لطفعلی بیگ آذر، فرهنگ شاعران زبان پارسی از عبدالرفیع حقیقت و تذکره میرزا محمد طاهر نصرآبادی ثبت شده است.

## ۴. هدف تحقیق

هدف از این تحقیق، یافتن پاسخ سؤال: آیا چینش اشعار در دیوان شاعران بر اساس حروف الفبای قوافی است یا روش های دیگری نیز وجود دارد؟ اگر دریافتن پاسخ این پرسش، متوجه شویم که شاعر روش دیگر برای چینش شعر خود در دیوانش به کار برده است در واقع می توانیم با سبک شخصی شاعر نیز آشنا شویم و از هدف شاعر در بکار بردن این شیوه خاص در چینش اشعارش آگاه و با جهان بینی و سبک فکری وی آشنا شویم.

## ۵. روش تحقیق

در این پژوهش برای دست یافتن به پاسخ سؤال مطرح شده (هدف تحقیق)، از روش کتابخانه ای و هم از روش تحلیلی - آماری، استفاده می شود. برای به دست آوردن اطلاعاتی در خصوص اینکه روش های دیگری برای تنظیم اشعار در دیوان شاعران بوده یا خیر؟ نیاز است کتاب هایی در این خصوص مطالعه و مطالبی گردآوری شود. سپس برای ذکر نمونه ای در این خصوص، دیوان سائیری، با این امتیاز که این دیوان تاکنون چاپ نشده و الگویی که این شاعر در چینش اشعارش بکار برده کاملاً منحصر به فرد است، انتخاب شده است. این دیوان بررسی و شیوه شاعر در چیدمان اشعارش بازشناسی و ابیات مورد نظر استخراج و با استفاده از منابع موجود و در بافت های شخصی به تحلیل آن ها پرداخته شد. به دلیل حجم بالای اشعار از ذکر همه آن ها در این پژوهش خودداری شده است. فقط بسامد به صورت آماری در خصوص وجود تکرار در «واک، هجا، واژه، عبارت و جمله» مشخص گردید.

## ۶. معرفی سائیری و نگاهی مختصر به زندگی او

«سایر، در زمان شاه سلیمان صفوی از مشهد مقدس به اصفهان آمد و در تکیه حیدری چهارباغ به سر می برده، زیاده براین از حالش چیزی معلوم نشده است» (آذر، ۱۳۳۷: ۴۶۹-۴۶۸). «در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هجری قمری) با لباس درویشی از مشهد به اصفهان پایتخت دولت صفویه رفته و در تکیه حیدری چهارباغ سکونت اختیار نموده و با قلندری و قناعت به کتابت خط نستعلیق و سرودن اشعار اشتغال ورزیده است. سال مرگ او به دست نیامد» (حقیقت، ۱۳۶۸: ۲۶۴).

وی شاعری شیعه‌مذهب است و دوازده امام را مدح گفته است:

یا علی مهتر به دل آینه‌گیتی نماست      نور خورشید رخت از پرتو ذات خداست  
دم‌به‌دم باشد که نوری در جهان آید پدید      مهدی گم‌کرده راهان هادی روز جزاست  
در طلب کاری او مجنون صفت شد سایری      در بیابان بی‌سروپا و به هر در چون گداست

(سایری، ۳۰۴۶: ۳)

شاعر از تنهایی، بی‌کسی و غریبی خود بسیار گله‌مند است:

در غریبی سایری! مُردی و کس یادت نکرد      روزگار تیره خواهد داشت گویی ماتمت

(همان: ۱۲)

### آثار سایری

تنها اثر او دیوان شعری به نام دیوان سایری است که به شماره ۳۰۴۶ کتابخانه برلین، دارای چهارصد و بیست و چهار غزل، صد و بیست و چهار رباعی، یک قصیده هجده بیتی، یک قطعه دوبیتی و دو تک‌بیت ترکی است؛ خود شاعر علت سرودن دیوانش را این‌گونه بیان می‌کند:

ز غییم ندا گفت در گوشِ هوش      که دیوانِ خود را نویس و بیار!  
بکش نظمِ خود را چو فرشِ رهش      به‌پیش سلیمان خداوندگار  
از آن رو نوشتم من ابیات و داد      به سلطان سلیمان شهی باوقار

(همان: ۴)

### چینش اشعار در دیوان سایری

هرگاه به دیوان شاعران مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که چیدمان شعر در اکثر دیوان شاعران، بر اساس حروف الفبای قوافی است و برای تشخیص سبک‌فکری شاعر دچار سردرگمی می‌شویم زیرا بعضی از شعرهای او در آغاز دیوان بسیار پخته و کامل بعضی بسیار سست و ضعیف‌اند و همچنین بعضی از اشعار در پایان دیوان بسیار سست‌اند در صورتی که شاعر در سرودن اشعار خود در سیر زمانی هر چه جلوتر رود شعرش تکامل بیشتری می‌یابد ولی این سیر زمانی در دیوان بعضی از شاعران مشهود نیست علتش این است که مصححان گرامی در تصحیح دیوان شاعران، ترتیب اشعار آن دیوان را بر هم زده و آن‌ها را بر اساس حروف الفبایی قافیه‌ها تنظیم می‌کنند که این روش پسندیده نیست. دکتر نوریان می‌گوید: «برای بنده روشن نیست که از چه زمانی و به دست چه کسانی ترتیب دیوان‌های شاعران در هم‌ریخت تا بر اساس ترتیب الفبایی قوافی منظم گردد و در اندیشه آن‌کسان نیامد که برای آسانی یافتن یک شعر به‌سادگی می‌توان فهرستی الفبایی به کتاب افزود. نتیجه کار آنان این بود که به فرض حرف روی در نخستین سروده‌های آغاز جوانی شاعر «ی» بود. شعر به پایان دیوان رفت و شعر روزگار پیری او که حرف پایانی ابیاتش «آ» بود، در آغاز قرار گرفت و کار را برای پژوهنده‌ای که بخواهد تطوّر فکری و سبکی و زبانی شاعر را دنبال کند، بسیار دشوار ساخت» (نوریان، ۱۳۷۸: ۸).

سعدی، غزلیات خود را به چهار بخش طبیات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم تقسیم‌بندی کرده است. غزلیات قدیم با موضوع عشق زمینی مربوط به دوران جوانی و خواتیم با موضوع عشق عرفانی، مربوط به دوران پیری اوست. طبیات و بدایع هم مربوط به دوران میان‌سالی و پختگی اوست. دکتر صفا می‌گوید: «سعدی خود جامع و کاتب طبیات بوده و به همین قیاس شاید جامع و کاتب قسمت‌های دیگری از باقی اشعار خود نیز بوده است» (صفا، ۱۳۶۳: ۶۰۷).

در رابطه با همین موضوع فروغی می‌گوید:

«از کلمات خود شیخ می‌توان دریافت که او این تقسیم‌بندی را کرده است» (فروغی، ۱۳۱۶: ۱۳).

سایری نیز از جمله شاعرانی است که در چینش اشعار خود شیوه خاصی داشته است. با توجه به اینکه شاعران دوره صفوی در هنرنمایی به رقابت می‌پرداختند سایری نیز بسیار خوب از عهده این هنرنمایی برآمده است؛ در ادامه به برخی از مهمترین اشکال این هنرنمایی‌ها اشاره می‌شود:

۱- شیوه کلی که بر دیوان او حاکم است بدین گونه است که ابتدا بعد از تحمیدیه و مدح پیامبر و ائمه و مدح ممدوح خود سلطان سلیمان صفوی، غزلیاتی را با موضوع عشق زمینی بیان می‌کند و در سیر زمانی دیوان او، مشخص است که این غزلیات مربوط به دوران جوانی اوست. در بین اشعارش نیز چندین مرتبه به خودش نهیب می‌زند که عمرت از پنجاه گذشته:

باآنکه گذشت عمر از پنجاهم      ساقی! ز می لعل لبش می‌خواهم  
فی‌الحال جوان و تازه‌گردم امروز      گر باده دهد از لب خود آن ماهم

(سایری: ۳۰۴۶: ۱۴۱)

غزلیات آخر دیوان او با موضوع عشق عرفانی است، بدین گونه سیر زمانی در دیوان سائیری مشهود است و در این سیر، گذر از عشق زمینی و رسیدن به عشق عرفانی را نمایش می‌دهد.

ذات او را هر طرف باشد بسی جویا چو من  
ذره‌ای خالی نباشد از صفات حُسن او  
در کجا جویم من آن ذاتی که باشد لامکان  
چون نظر بر دل کنی بینی به چشم عقل و جان...  
کی به بزم شمع خورشید جمالش می‌رسی  
تا نسوزی در هوای وصل او پروانه‌سنان

(همان: ۱۴۵)

گشت اسلام بی‌مان از خبر الفاظت  
دارم آمید که خالی نبود بهر نجات  
لعل و درگشته عیان از گهر الفاظت  
دم آخر ده‌نم از دُرر الفاظت...  
همرهم کاغذ الفاظ تودر مقبره است  
دم آخر که دهم جان، به لبم بس باشد  
شربت جان و دلجم از ثمر الفاظت  
فرح آید به زبان از گذرد الفاظت

(همان: ۱۳۰)

یکی از دستاوردهای تجدد در ایران این بود که شاعران از ایرج میرزا و ملک‌الشعرا بهار، گرفته تا هوشنگ ابتهاج و فروغ فرخزاد به جای دیوان به دفتر شعری روی آوردند و در دفاتر شعری تاریخ سرایش اشعار، نمودار رشد فکری و ادبی آن‌ها بود.

علاوه بر سیر زمانی که عاملی در تنظیم اشعار دیوان شاعران است، باید گفت که بعضی از شاعران نیز در چینش اشعار خود روش و سبک خاصی داشته‌اند که روش آن‌ها را نباید نادیده گرفت و نسخه دیوان آن‌ها فقط بر اساس حروف الفبای قافیه‌ها تنظیم کرد بطوریکه «مولانا در چینش غزلیات خود از روشی که در خاندان مولانا و در نظام خانقاهی مرسوم بود، استفاده می‌کرد. روش خاندان مولانا و نظام خانقاه‌های مولویه، غالباً چنان بوده است که دیوان مولانا را به ترتیب اوزان عروضی تدوین می‌کرده‌اند، مثلاً تمام غزل‌هایی را که در بحر هزج بوده است پشت سر هم قرار می‌داده‌اند و سپس غزل‌هایی را که در بحر رمل است تا آخر و آنگاه در داخل هر بحر، غزل‌ها را به نظام الفبایی تدوین می‌کرده‌اند تا وقتی که در مجلس سماع می‌خواهند غزل را قوالی کنند به راحتی بیابند» (شفیعی، ۱۳۸۸: ۴۴).

با توجه به این شیوه‌ای که مولانا در چینش شعرش به کار برده، نمی‌توان ترتیب اشعارش را برهم زد و بر اساس حروف الفبایی قوافی شعرش آن را چینش کرد. سائیری نیز هنرنمایی دیگری در تنظیم و چینش اشعارش بکار برده است که نمی‌شود رباعیات و غزلیات دیوانش را از هم جدا کرد و ترتیب آن‌ها را برهم زد.

۲- ویژگی یا مشخصه بارز دیگر آن است که بعد از چند غزل، یک یا دو سه رباعی می‌آورد که از لحاظ موضوعی در تأکید بر همان موضوع غزل می‌باشد که رباعی بعد از آن آمده است و یا برعکس. باهم انسجام موضوعی دارند و به وسیله تکرار واژگان به هم متصل می‌شوند به این دلیل جدا کردن رباعیات از بین این غزل‌ها صحیح نیست.

بعضی از شاعران از جمله عطار و شاعر مورد پژوهش یعنی سائیری، با استفاده از تکرار واژه‌ها به طرق مختلف در شعرشان سبک شخصی برای خود ایجاد کرده‌اند. تکرار واژه و جابه‌جایی آن در ساختار متن، یکی از عواملی است که موجب غرابت بخشیدن به زبان شعری می‌شود. «در غزلیات قلندریه عطار وحدت تجربه شعری و حتی در مواردی بسیار زیاد، وحدت «تم» است بدین گونه که شاعر از همان آغاز که مطلع غزل را می‌سراید تا پایان از یک مسیر طبیعی حرکت می‌کند و دایره‌وار در همان جا که آغاز کرده بود، سخن را به پایان می‌برد. در بسیاری از این غزل‌ها نوعی سرگذشت یا واقعه تصویر می‌شود و چه بسیار از این غزل‌ها که جوهر زندگینامه یک عارف است که تحولی روحی به ناگهان او را دگرگون کرده است. برای نمونه این غزل در حوزه تکرار واژه «دره» سروده شده است:

درواه تو هر که راهبر شد  
هر خاک که ذره قدم گشت  
تا تو نشوی چو ذره ناچیز  
هر کی به وجود ذره آمد  
در هستی خود چو ذره گم گشت  
ذره ز که پرسید و چه پرسید  
هر لحظه، به طبع، خاک تر شد  
در عالم عشق تاج سر شد  
نتوانی از این قفس بدر شد  
فارغ ز وجود خیر و شر شد  
ذاتی که ز عشق معتبر شد  
زیرا که ز خویش بی خبر شد»

(شفیعی، ۱۳۷۸: ۵۹-۵۸)

۳- کار زیبای دیگر سائیری در چینش جزء جزء شعر در دیوانش است که با حلقه‌های زنجیر ماندنی به هم وصل شده‌اند؛ غزل یا رباعی که پی‌درپی در دیوان آمده‌اند گویی با یک حلقه زنجیر که در واقع تکرار واک، هجا، واژه، عبارت و جمله است به هم وصل شده‌اند به گونه‌ای که واک، هجا، واژه عبارت و جمله‌ای را که مربوط به موضوع و حس مورد نظرش است در بیت مقطع غزل می‌آورد، سپس این واژه‌ها اندیشه، عواطف و احساسات شاعر را از خود گذر داده و همان حس و اندیشه با تکرار واژه‌ها در غزل دوم تقویت می‌یابد و آن را به صورت مؤکدتر به خواننده منتقل می‌کند. از بین این واحدهای تشکیل کلام، بیشتر به تکرار واژه می‌پردازد، واژه‌ای که در بردارنده معنای موضوع مورد نظر شاعر باشد؛ هر چند از لحاظ علم بدیع، این نوع تکرار، صنعت اعنات<sup>۴</sup> است اما سائیری این کار را از روی تفنن و فقط به خاطر بکار بردن صنعت اعنات انجام نداده است منظور وی از این نوع تکرار، تکرار ظاهری نیست بلکه تکرار معناست زیرا سائیری مانند دیگر شاعران سبک هندی، شاعری معناگراست نه صورت‌گرا.

سائیری با به کار بردن هنرمندانه و فراتر از تکرار ظاهری و به صورت تکرار معنوی این صنعت، توانست سبک شخصی که آرزوی هر شاعر است برای خود ثبت کند. تکرار، تأثیر سخن را بیشتر می‌کند و یکی از راه‌های افزایش موسیقی کلام است که به وسیله آن می‌توان یک حس یا مفهومی را به دیگران القا کرد. هدف سائیری از تکرار واژه، علاوه بر تأکید بر معنی و مضمون مورد نظرش، زیباتر ساختن شعر و موسیقی شعر، جهت تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان است. تکرار در ادبیات یا مخل فصاحت در کلام است و عیب محسوب می‌شود یا باعث زیبایی و تأثیرگذاری و موسیقایی بیشتر کلام می‌باشد و نه تنها عیب محسوب نمی‌شود بلکه حسن کلام است. علمای بلاغت نیز معتقدند که اگر تکرار، مخل فصاحت نشود و برای تأکید آمده باشد، امر مستحسنی است. این نوع تکرار است که سائیری از آن با انگیزه تأکید بر معنا و موضوع مورد نظرش استفاده کرده است؛ تکرار واک، واژه، عبارت و جمله به طور اتفاقی در کلام سائیری صورت نمی‌گیرد بلکه به کارگیری این صنعت ادبی، آگاهانه و متناسب با فکر و ایدئولوژی شاعر است. با بررسی این صنعت ادبی در شعر وی می‌توان به اندیشه او دست‌یافت پس هر تکراری مخل نیست؛ به مصداق سخن دکتر شفیع:

«بنیاد جهان و حیات انسان، همواره بر تنوع و تکرار است؛ از تپش قلب و ضربان نبض تا شدآیندروز و شب و توالی فصول و در نسبت خاصی از این تنوع و تکرارهاست که موسیقی مفهوم خویش را بازمی‌یابد، یعنی «نظام افضل». به تعبیر نویسندگان رسائل اخوان‌الصفاء، جلال‌الدین، چنگ و چغانه شعر خویش را در مقامی این چنین ساز کرده و با این چنین نوایی است که می‌سراید» (شفیعی، ۱۳۸۹: ۳۹۰).

تکرار واژگان در دیوان سائیری، آن قدر مشهود و پرسامد است که هر خواننده‌ای با خواندن ثلثی از دیوان وی، متوجه این شیوه می‌شود، این نسق کلام سائیری است که طاهر نصرآبادی، هم‌دوره سائیری درباره او گفته است:

«سخنش کما درستی و نسق دارد» (نصرآبادی: ۳۴۴). شیوه سائیری در تکرار واژگان به این گونه است که متناسب با موضوعی که در نظر داشت از یک واژه تا چند واژه که در بردارنده آن موضوع یا حس بودند را در بیت مقطع غزل بکار می‌برد سپس همان واژه یا واژه‌ها را در بیت مطلع غزل بعدی تکرار می‌کند.

در این مثال فقط یک واژه تکرار شده است:

بیت مقطع غزل:

خورد از دست غم او سائیری تیغ جفا  
کی ز خاک آن سر کو پا به آسانی کشید

(سائیری، ۳۰۴۶: ۸۹)

بیت مطلع غزل بعدی:

تورا ست بهر من خسته دل جفا پیشه  
مرا تحمل آن نیست ای بلا پیشه!

(همان: ۸۹)

در مثال ذیل، پنج واژه که در بیت مقطع غزل آمده‌اند در بیت مطلع غزل بعدی تکرار شده‌اند.

ابرو به ناز برزند، سائیری! آن پری ز تو  
بر تو چو می‌کشد کمان سینۀ خود سپر بکن!

(همان: ۸۴)

چو تیر ناز بگشایی سویم ابرو کمان من مرا سینه سپر گردد، نثار تیر جان من

(همان: ۸۴)

سائیری در تکرار واژه‌ها یکنواخت عمل نکرده است بلکه از شگردهای مختلف تکرار واژه، برای تشخیص به زبان شعرش و اتصال آن‌ها به هم بهره برده و دنیای تکرار واژگان را در چشم خوانندگان شعرش جذاب و تازه‌تر گردانده است:

۳-۱- گاهی برای تأکید بیشتر بر موضوع و مفهوم موردنظر، شاعر واژه تکراری را به صورت آرایه تصدیر، جناس یا همراه با نغمه حروف که باعث تداعی و تأکید بر موضوع و حس موردنظر شاعر است را در بیت مقطع یا مطلع واژه تکراری را به کار برده است. وی با این هنرنمایی علاوه بر آنکه باعث ایجاد موسیقی درونی شعرش می‌شود. اثرگذاری و ماندگار شدن آن مفهوم و حس را نیز در ذهن مخاطب را نیز تقویت می‌نماید.

زیر قدمت چو خاک اگر پست شوم بر چرخ رسد زیای بوست سر من

(همان: ۶)

تا به پابوسش سر من شد سرفراز جهان از شرف ساید سر من، دم به دم بر آسمان

(همان: ۷)

در بیت مطلع غزل، علاوه بر اینکه عبارت «پابوسش سر من» تکرار شده است واج‌آرایی صامت «س»، «ر» در تمام بیت، باعث شده که کلمه «سر» تداعی شود و موضوع موردنظر شاعر را همراه با موسیقی درونی، برجسته‌تر سازد. نمونه دیگر ردالصدر علی العجز:

گفتی آن به که دهی سایر جان از غم او نیک گفتمی و من خسته بر آنم ای دل!

(همان: ۶۷)

ای دل از دست تو آشفته جانان شده ای مـ واله و شیفته لاله عذاران شده ای مـ

(همان: ۶۷)

۳-۲- گاهی نقش نحوی واژه تکراری، تغییر می‌کند و دکتر شفیع دشارترین آشنازدایی را آن دانسته که: «در قلمرو نحو زبان اتفاق افتد زیرا امکانات نحوی زبان و حوزه اختیار و انتخاب نحوی به یک حساب محدودترین امکانات است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۰) مانند واژه «چشم» در بیت مقطع غزل صد و هفتادودو و تکرار آن در بیت مطلع غزل صد و هفتادوسه.

فتنه چشم تو هر گوشه بود جادوگـ سائیری بی خود و سودازده جادویـش

(سائیری، ۳۰۴۶: ۶۱)

ای طالب و نظاره گر روی بار! چشم مـ با مردمان به وصل بکن جان نثار چشم مـ

(همان: ۶۲)

۳-۳- از دیگر جلوه‌های زیبایی تکرار واژگان در شعر سائیری، تکرار واژه در جایگاه ردیف غزل بعدی است. با تکرار واژه در جایگاه ردیف، موضوع موردنظر را مؤکدتر و برجسته‌تر می‌کند. در دو غزل متوالی دیگر، صفت «به» تکرار و در غزل بعدی ردیف واقع شده است.

سائیری آن به که گُردم نیست در راه در چنین نابود گشتن چون بود بهبود من وفا

(همان: ۴۳)

ز سودای دوزلف او مرا حال پریشان به ز عشق لاله رخساری مرا صد داغ بر جان به

(همان: ۴۳)

در شاهد مثال زیر، واژه تکراری در بیت مقطع و مطلع، واژه فراق است که در غزل بعدی ردیف واقع شده است. چه کنم شرح کز فراق رخس سائیری در به در به هر جاییم

(همان: ۶۵)

به درد عشق گرفتارم و جفای فراق ندیده هیچ کسی همچو من بلای فراق

(همان: ۶۵)

۳-۴- گاهی برای تأکید بیشتر بر موضوع و تلقین و تکرار عواطف زودگذر، واژه تکراری را در بیت مطلع چندین مرتبه اما به صورت پراکنده تکرار می‌کند تا آن موضوع یا حس به ذهن مخاطب رسوخ کند. «انگیزه این تکرار، تأکید و مهم جلوه دادن آن‌ها است، ضمن آنکه به موسیقی شعر هم افزوده می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۷۴۵). مانند واژه تکراری «من»، «ساز» که در بیت مقطع غزل، یکبار تکرار شدند اما در بیت مطلع غزل بعدی، ضمیر «من» سه بار و فعل «ساز» دو بار تکرار شده است:

دلم نالد ز سوز و ساز می‌گوید به درد دل      بساز ای سایری یکدم به این افغان که من دارم

(سایری: ۷)

ای مغنی یار شو در هجر او یکدم به من      من به غم می‌سازم و هرگز نسازد غم به من

(همان: ۷)

۳-۵- گاهی در بیت مقطع، دو یا چند واژه تکراری وجود دارد که سایری با هنرمندی تمام، ترتیب جایگاهی آن واژه‌ها را در بیت مطلع غزل بعدی عوض می‌کند و با این تغییر مکان آن‌ها را مؤکدتر و برجسته‌تر می‌کند. به عنوان نمونه، دو واژه «کاکل، زلف» به همین ترتیب در مصرع اول و دوم بیت مقطع غزل شانزدهم آورده، سپس همین دو واژه را در دو مصرع بیت مطلع غزل بعدی جابجا کرده است. سایری ز کاکلش گر گرهی ز دل گشایم      به دو زلف او چه سازم به که گویم این بلا را

(همان: ۸)

ای که از فکر دوزلف تو پریشانم من      کاکلت کافر و گویی که مسلمانم من

(همان: ۸)

واژه‌های تکراری «مست، چشم و لعل» در مصرع دو بیت مقطع غزل به همین ترتیب بیان شده‌اند اما همین سه واژه در مصرع دوم بیت مطلع غزل بعدی با برهم زدن ترتیب آن‌ها به صورت «لعل و چشم مست» تکرار شده‌اند. از حرامی شراب و دیر، فارغ سایری      مست می‌گردد ز فکر چشم لعل دلستان

(همان: ۷)

پیش دوچشم و آن لب، می‌پیش دیده پست است      سرمستی اسیران ز آن لعل و چشم مست است

(همان: ۷)

۳-۶- در مواردی نیز در تکرار واژه‌ها، جایگاه آن‌ها تغییر نمی‌کند. در شاهد مثال زیر، کلمه لاله در مصرع اول و کلمه خون در مصرع دوم بیت مقطع غزل آمده است. همین دو واژه به همین ترتیب، بدون تغییر جایگاه کلمه در بیت مطلع غزل بعدی، تکرار شده‌اند: گر لاله صفت چاک زخم سینه، چه عیب؟!      چو به خون غرقم و داغ به جانم ز گلی است

(همان: ۶۸)

ز خاک لاله به عشق تو سر برآورده      از آن لباس به خون جگر برآورده

(همان: ۶۸)

۳-۷- گاهی میزان برجستگی واژه تکراری به محل قرار گرفتن آن در ابتدا، انتها یا وسط کلام بستگی دارد. در مثال زیر عبارت تکراری «زلف و کاکل او» در ابتدای هر دو بیت قرار گرفته است و تأکید بر این عبارت با توجه به جایگاه آن بیشتر است: سررشته امیدش در هیچ جا نبسته است      جز زلف و کاکل او سایری دل زار

(همان: ۷)

ز زلف و کاکل او بر سرم چه ها گذرد      هزار فتنه به سر آید و بلا گذرد

(همان: ۸)

در مثال دیگر واژه «هجر» در ابتدای مصرع دوم بیت مقطع غزل و سپس در ابتدای بیت مطلع غزل بعدی تکرار شده که با تغییر جایگاه، واژه برجسته‌تر و تأکید بر آن نمایان‌تر است:

به خاک درگه او سایری وفای نمای      که روز هجر سر آید غم و جفا گذرد

(همان: ۷)

به هجر آن گل رو، صرف به این جان که من دارم      نخواهم زندگی، این خواری هجران که من دارم

(همان: ۷)

۳-۸- گاهی واژه تکراری «ضمیر» است و ضمیر «من»، «تو» به صورت منفصل نسبت به ضمیر متصل «م»، «ت» بیشتر تکرار می‌شوند. علت اینکه از بین تمام ضمائر فقط ضمیر «من»، «تو» تکرار می‌شود به خاطر این است که به رابطه بین عاشق و معشوق اشاره دارد. نمونه‌ای از تکرار ضمیر منفصل «من»:  
مقطع غزل:

به من در عشق او هر کس رسیده صد نوا گفته      ندیده سائیری! کس این نواهایی که من دیدم

(همان: ۱۳۶)

۳-۹- با توجه به اینکه بار معنایی و حسی کلام را فعل نمایان می‌کند؛ گاهی از طریق تکرار فعل، تداوم موضوع یا حسی را به مخاطب القا می‌کند. بگذار رفیق من که جان صرف کنم      چون عمر عزیز من رسیده است به سر

(همان: ۱۱)

ای سروناز من که نیکو در رسیده‌ای      عمرم به سر رسید که بر سر رسیده‌ای

(همان: ۱۱)

دل نالد زسوز و ساز می‌گوید به درد دل      بسازای سائیری یکدم به این افغان که من دارم

(همان: ۸)

ای مغنی یار شو در هجر او یکدم به من      من به غم می‌سازم و هرگز نسازد غم به من

(همان: ۹)

آمیختن صنعت اعنات در این دو مثال با نغمه حروف همراه شده و احساس و اندیشه شاعر را از خود گذر داده است و آن را همراه با موسیقی نغمه حروف به مخاطب منتقل می‌کند.

۳-۱۰- گاهی با تکرار عدد، مقدار تأکید را نشان می‌دهد و عدد «صد» به صورت تکرار در این دیوان بکار رفته و دلالت بر کثرت می‌کند: خواهیم صرف باز دو صد جان اگر بود      ای سائیری چه سود چو جان در بدن یکی است

(همان: ۱۲۰)

در جهانم هر چه باشد صدقه دلدار باد!      صد هزاران جان شیرین صرف راه یار باد!

(همان: ۱۲۰)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود معدود عدد نیز در هر دو بیت مشترک است.

۳-۱۱- از دیگر جلوه‌های زیبایی تکرار در سبک سائیری، تکرار یک عبارت است:

ز آن پیری رو سائیری امید خشنودی مدارا!      کز پیری رویان نبینی حاصلی جز درد و غم

(همان: ۸۲)

حاصلی جز درد و غم در عشق خوبانم نشد      جان به عشق آن پیری دادم، ز یارانم نشد

(همان: ۸۲)

در این دو بیت، عبارت «حاصلی جز درد و غم» همراه با آرایه رد الصدر علی العجز، تکرار شده است که این عبارت را مؤکد کرده است. همان‌طور که در این چند نمونه شاهد بیتی که تا این قسمت پژوهش آوردیم، ملاحظه می‌شود که هر دو غزل وحدت موضوعی دارند.

۳-۱۲- گاهی «ی» اسنادی را در بیت مقطع و مطلع تکرار کرده است:

گر شماری از سگانت ور برانی، حاکمی      سائیری مانده، سرخود، چون سگت بر آستان

(همان: ۵)

تویی و عیش و طرب مسندِ شهنشاهی      من و خیال تو و گریه سحرگشاهی

(همان: ۵)



۳-۱۳- در بعضی موارد تقریباً بیشتر کلمات بیت مقطع را در بیت مطلع تکرار می‌کند. در بیت زیر دو جمله «چو لاله داغ غم بر جگر» و «سوزم به داغ عشق» با تغییر «نهاد» در بیت مطلع غزل بعد تکرار شده‌اند:

سایر چو لاله داغ غم بر جگر بود سوزم به داغ عشق و کشم جور از عدو

(همان: ۳۶)

سوزد دلم ز عشق تو ای سیمبر هنوز دارم چو لاله داغ غمت بر جگر هنوز

(همان: ۳۶)

بیت مقطع	منادا(شاعر)	چو لاله داغ غم بر جگر	سوزد ز عشق
بیت مطلع	منادا(معشوق)	چو لاله داغ غمت بر جگر	سوزم به داغ عشق

۳-۱۴- در مواردی نیز یک ترکیب را در بیت مقطع غزلی می‌آورد سپس برای پرهیز از یکنواختی در تکرار، همان ترکیب را به صورت ترکیب مقلوب در بیت مطلع غزل بعدی تکرار می‌کند:

سائیری را از سر لطف و روش پرسش نما چون دعاگو باشد و از بندگان کمترین

(همان: ۲۷)

کمترین بندگان آستان او منم از غلامان کمین بندگان او من

(همان: ۳۷)

در این نمونه علاوه بر اینکه تکرار را به صورت ترکیب وصفی مقلوب بکار برده، در مصرع دوم بیت مطلع، همان ترکیب مقلوب را به صورت مخفف «کمین بندگان» آورده است. این موارد بیانگر تنوع در به کار بردن تکرار است.

۳-۱۵- در مواردی نیز مشاهده می‌شود که در بیت مقطع غزل، چند واژه پراکنده آورده سپس در بیت مطلع غزل بعدی، آن واژه‌ها را به صورت یک ترکیب تکرار کرده است یا برعکس. سائیری به گونه‌های مختلف در تکرار واژه‌ها هنرنمایی کرده است واز بکار بردن یک تکرار ساده و عادی دوری کرده است.

شاهد مثال برای نوع اول:

به بر و بحر گشتم سائیری در عشق مهرویان به غیر درد و غم چیزی نکردم در جهان حاصل

(همان: ۵۳)

در بحر غم عشقم و پیدا، سر و تن نیست شوریده دیوانه در عشق چو من نیست

(همان: ۵۳)

شاهد مثال برای نوع دوم (کلمات موجود در یک ترکیب را به صورت جدا تکرار کند):

بیا ای گل که باشد سائیری گرد درت گریان به یاد سبزه خط تو چون ابر بهار امشب

(همان: ۱۱۵)

گردیده خط به دور رخ گل‌عداز سبزه یا سبزه گشته گرد گل و لاله‌زار سبزه

(همان: ۱۱۵)

۳-۱۶- در مواردی نیز یک مصرع بیت مقطع را به دو نیم مصرع تقسیم کرده، سپس هر نیم مصرع را در یک مصرع بیت مطلع تکرار کرده است. در مثال زیر در مصرع اول بیت مقطع غزل، دو عبارت که با واو عطف به هم وصل شده‌اند؛ بسیار زیبا هر عبارت را به صورت جدا در هر یک از مصراع های بیت مطلع بعدی آورده است:

هوای سرو قد و آن گل رو چون نهم از سر؟ چو نبود سائیری تاب جدایی یک سر مویم

(همان: ۹۳)

تا هوای سرو قدش قمری نالان گرفت ز آن گل رو بلبل بیدل چو من افغان گرفت

(همان: ۹۳)

غزل	مصرع اول	مصرع دوم
بیت مقطع	هوای سرو قد و آن گل رو	_____

بیت مطلع	هوای سرو قدش	آن گل رو
----------	--------------	----------

۳-۱۷- تنوع دیگری که سائیری در تکرار بکار برده، این گونه است که آگاهانه در بیت مقطع ترکیبی را می آورد سپس همان ترکیب را در بیت مطلع به صورت ترکیب و هم به شکل جدا کردن واژه های ترکیب از هم استفاده می کند؛ قبلاً هم گفتیم که تکرار در شعر سائیری از نوع آگاهانه است و انگیزه او از این گونه تکرار، تأکید و مهم جلوه دادن آن هاست:

چون گریزم روز غم سائر نبیند کس مرا  
چون شب زلفش شب تاری ندارم، چون کنم؟

(همان: ۹۴)

شب از زلفش سخن با خود چو هر دیوانه می گویی  
تو و شب های زلف او کجا افسانه می گویی

(همان: ۹۴)

۳-۱۸- در بعضی از تکرارهایش بسیار هنرمندانه عمل کرده، به طوری که واژه تکراری با واژه های دیگر بیت نیز در ارتباط است و رابطه هایی مانند تناسب معنایی، تضاد، ایهام و ... بین آن هاست که واژه های تکراری شعر را برجسته تر می نمایند.

در شاهد مثال زیر، واژه های تکراری چشم و زلف است. در بیت مقطع، این دو واژه با کلمات رخ و دل، آرایه مراعات النظیر دارند و در بیت مطلع، بین دو کلمه تکراری آرایه طرد و عکس است:

عکسش ز چشم سائیری دل را ربوده است  
یا حلقه دام مانده به رخ زلف یار چشم

(همان: ۸۱)

بهر صید مرغ دل شد حلقه تا آن تار زلف  
کار چشمان می نماید زلف و چشمان کار زلف

(همان: ۸۱)

همچنین در شاهد مثال زیر، در بیت مقطع، واژه آرام با واژه بی قرار و در بیت مطلع، واژه قرار با واژه های بی قرار، بی صبر و بی آرام، تقابل دارند:

جان می دهد ز هجر و بُود بی قرار، دل  
ای سائیری! بگوی که آرام جان کجاست؟

(همان: ۹۷)

چو سویم از سفر برگشته آن چابک سوار آمد  
قراری در دل بی صبر و آرام و قرار آمد

(همان: ۹۷)

۳-۱۹- یکی دیگر از جذابیت های تکرار واژه در شعر سائیری، قرار گرفتن واژه تکراری به صورت کامل در درون واژگان مرکب است که باعث می شود این واژه ها از طریق این نوع تکرار، در مرکز توجه خواننده قرار گیرند؛ مانند تکرار واژه گل در درون واژه های مرکب «گل رخساره، گل رو، گل رخ» در دو بیت زیر:

ناله گرد کوی گل رخساره ای سائیر! چه سود؟  
چون گشادی آن گل رو را ز افغانم نشد

(همان: ۸۲)

دل من میل بدان گل رخ مه سیما داشت  
دیده در سر هوس دیدن آن رعنا داشت

(همان: ۸۲)

۳-۲۰- از بین تمام واژه های که سائیری در ابیات مقطع و مطلع شعر خود تکرار کرده، واژه «زلف» از واژه های تکراری پر بسامد شعری سائیری است. در شاهد مثال زیر، در یک رباعی و دو غزل که بطور متوالی پشت سر هم در دیوان مذکور آمده اند واژه تکراری در هر سه مورد، «زلف» است:

بیت مقطع غزل:

چه سان روی خلاصی سائیری جوید ز دام او  
به دام زلف آن بدخو گرفتاری چو من نبُود

(همان: ۱۷)

بیت مطلع و مقطع رباعی

هندوی دو زلف تو بُود رهزن دین  
مشک سر زلف تو بُد از نافه چین

چون جان برم از دست دو زلفت؟ که بُود  
دام سر زلفت پی صیدم به کمین

(همان: ۱۷)

بیت مطلع غزل:

آن زلف بر گل رخ آن نازنین بُود  
یا دام بهر مرغ دلم در کمین بُود

(همان: ۱۷)

۳-۲۱- گاهی برای تأکید بر انتقال یک حس، واژه تکراری را دومرتبه پی در پی تکرار می کند تا آن حس مورد نظر با تکرار و تلقین در ذهن مخاطب رسوخ کند، بطوریکه در شاهد مثال زیر، جمله «کس مدد نکرد» ردیف غزل قبل است سپس واژه «مدد! مدد!» در جایگاه ردیف غزل بعدی آمده است و به طور مکرر در تمام ابیات هر دو غزل واژه «مدد» جهت تلقین این حس، تکرار شده است:

گفتم ز غم به وصل دلارا شوم جدا  
مردیم سائیری و چنان کس مدد نکرد

(همان: ۱۰۶)

ای آرزوی دیده گریان! مدد! مدد!  
وی پادشاه کشور خوبان! مدد! مدد!

(همان: ۱۰۶)

۳-۲۲- با توجه به اینکه واژگان تکراری در شعر سائیری در بردارنده مفهوم و معنی مورد نظر شاعر است و در رباعیات گویی، چنین به نظر می رسد که لطف رباعی در بیت دوم و اغلب در مصراع آخر ظاهر می شود، صائب در بیت زیر به این اصل اشاره می کند:

از رباعی بیت آخر میزند ناخن بـدل  
خط پشت لب بچشم ما ز ابرو خوش تر است

(مؤتمن، ۱۳۳۹: ۹۲)

سائیری نیز در چند مورد با توجه به معنی و حس مورد نظرش، تکرار واژگان را در بیت دوم رباعی ترجیح داده است:  
بیت مقطع غزل قبل از رباعی:

یک ره ز لطف خویش گذر سوی سائیری  
او را حساب کن تو در این ره چو خاک در

(سائیری: ۳۵)

رباعی:

ای شوخ جفا جوی شکرخنده من  
مُردیم ز هجران رخت بهر خـدا  
پرسان شو و گو، بنده شرمنده من  
سـویم بـگذر ز لطف و گو بنده من

(همان: ۳۵)

با آوردن این چند نمونه ابیات به عنوان شاهد برای توضیحات در این پژوهش تا حدودی با سبک سائیری آشنا شدیم و دریافتیم که هر چند صنعت اعنات در گروه موسیقی صوتی قرار دارد و باعث افزایش موسیقی درونی شعر سائیری شده است اما مبحث تکرار در شعر او به گونه ای دیگر است که باعث تازه تر جلوه کردن شعرش می شود. آن قدر هنرمندانه از عهده این کار برآمده که در جنبه هنری اثر او نقش بسزایی دارد.

اکنون به تحلیل آماری واژه های تکراری در دیوان سائیری می پردازیم:

جدول شماره ۱- تکرار واژه از نظر نحوی

تکرار واژه از نظر نحوی	بسامد	نوع
حرف ندا	۲	ای
حرف اضافه	۲۹	از، به، چو، در
حرف ربط	۵	که، و
حرف شرط	۱	اگر
نشانه جمع	۱	ان
	۱	را
	۲	سان، گون
منفی سازی	۲	بی، نه
ضمیر	۱۲	کس، تو، من، ضمیر متصل «ت، م»
صفت	۱۳	به (بهتر)، زیبا، خوب، خوش

قید	۷	گاهگاهی، سوی من، اشک ریزان، سربه‌سر، هنوز
فعل	۳۰	بُود، بود، است، استاده‌ام، بگذر، بینم، سازم
عبارت	۴۸	محراب طاق خم ابرویش، ز آتش غم، ز شرم روی تو، هندوی زلف تو، پابوسش سرمن

#### جدول شماره ۲ - تکرار از نظر کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین واحد کلام

تکرار از نظر کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین واحد کلام	بسامد	نوع
واک	۶	حروف قافیه، «و» عطف
واژه بسیط	۴۴۱	
واژه غیر بسیط	۴۴	
عبارت	۴۸	
جمله	۱۲	
شبه جمله	۲	

با توجه به این آمار، یکی از دلایل تکرار در شعر سائیری حجم بالای غزلیات و رباعیات اوست اما چون در بقیه موارد تکرار واژگانی در بیت مقطع و بیت مطلع مورد توجه بوده است این مورد که تعداد آن‌ها نیز انگشت‌شمار است، جزء مواردی محسوب کردیم که تکرار در آن‌ها به شکل دیگر آورده شده است.

#### جدول شماره ۳ - تعداد غزلیات و رباعیاتی که تعداد واژه‌های تکراری آن بیش از یک مورد است

تعداد غزلیات و رباعیات که تعداد واژه‌های تکراری آن بیش از یک مورد است	بسامد
دو واژه تکراری	۸۸
سه واژه تکراری	۳۶
چهار واژه تکراری	۲۶
پنج واژه تکراری	۹

از بین چهارصد و بیست و چهار غزل و صد و بیست و چهار رباعی، صد و پنجاه و نه رباعی و غزل، واژه تکراری در آن‌ها بیش از یک واژه بود و مابقی غزلیات و رباعیات واژه تکراری در آن‌ها یک واژه بود.

#### ۷. نتیجه‌گیری

چنان‌که ملاحظه شد برای چینش غزلیات در دیوان، بعضی شاعران در گذشته، روش‌های متفاوتی بکار برده‌اند که گاهی نشان‌دهنده سبک آن شاعر است. سبک سائیری نیز در چینش غزلیاتش بر اساس تکرار واژه است و از بین تکرار «واک، هجا، واژه، عبارت و جمله» تکرار واژه بیشترین بسامد را دارد. به همین خاطر از اصطلاح تکرار واژه‌ها در این پژوهش استفاده شده است که هدف او از تکرار واژه‌ها، اهمیت دادن به موضوع و جلب توجه مخاطب است.

سائیری حدود دویست و نود واژه را به‌عنوان واژه تکراری بکار برده است و از این تعداد، بعضی از آن‌ها فقط یک‌بار به‌عنوان واژه تکراری بکار رفته‌اند و بعضی از آن‌ها نیز چندین بار تکرار شده‌اند مثل کلمه «زلف، عشق، باده، جام، مجنون، لعل، ساغر و ...» از این میان واژه «زلف» پربسامدترین واژه تکراری در این دیوان است. با این آمار آرایه‌شده از کلماتی که فقط به‌عنوان واژه اتصال دو غزل یا یک غزل و یک رباعی در بیت مقطع غزل قبل و مطلع غزل بعدی تکرار می‌شدند، متوجه شدیم که سائیری در حوزه زبان و واژگان تسلط بیشتری داشت و شاید یکی از دلایلی که باعث شد در این سبک هنرنمایی کند همین بوده باشد. گاهی در شعر سائیری واژگان تکرار با دیگر اجزای متن نیز در ارتباط است؛ رابطه‌هایی مانند: تضاد، تناسب معنوی، ایهام و... که واژه‌های تکراری شعر را برجسته‌تر می‌نمایانند. طاهر نصرآبادی که هم‌زمان با سائیری بود درباره شعر سائیری گفته بود که سخنش درستی و نسق دارد گویا نسق و سبک سائیری همین روش وی در تکرار واژه‌ها بوده که نصرآبادی به آن اشاره کرده‌است.

با بررسی واژه‌هایی که سائیری از آن‌ها به‌عنوان واژه تکراری استفاده کرده، متوجه شدیم که بیشتر آن واژه‌ها حسی هستند که نشان‌دهنده طبیعت‌گرایی بودن شاعر است.

## ۸. تعلیقات

- ۱- نسخه: «کتاب یا نوشته‌هایی که به‌وسیله گونه‌ای قلم و با دست‌نوشته شده باشد» (جهانبخش، ۱۳۹۰: ۱۴).
- ۲- شاعران سبک هندی: «شاعران سبک هندی دودسته می‌شوند یک دسته مانند صائب که شعرش ساده و روان است و شعر سائیری نیز سادگی شعر صائب را دارد و دسته دیگر که شعرشان به خاطر تکلف بیش‌ازحد و افراط در بدیع پیچیده به تصنع گرایید. گاه نیز کیفیت واژه با بلندی افکار بیان‌شده تناسب نداشت» (سیوری، ۱۳۸۸: ۹۸).
- ۳- تصحیح: «آماده‌سازی متنی که به‌گونه‌ای که متن نهایی فراهم آمده، نزدیک‌ترین صورت ممکن به نوشته مؤلف باشد.» (جهانبخش، ۱۳۹۰: ۱۴)
- ۴- تاریخچه اعنات: «عبدالله بن معتز واضح علم بدیع است و این موضوع از «کتاب البدیع» او که در سال ۲۷۴ هجری تألیف شده است آشکار است. کسی که کتاب البدایع ابن معتز را بررسی می‌کند درمی‌یابد که این کتاب در آغاز مشتمل است بر پنج باب: استعاره، جناس، مُطابِقَه، ردّ اعجاز کلام بر صدور آن‌ها و باب پنجم آن را جاحظ مذهب کلامی می‌نامد. ابن معتز، تذکر می‌دهد که کتابش را بر این پنج باب بنانهاده است اما این به آن معنی نیست که از محسنات بدیعی دیگر آگاه نیست و برای افزایش ارزش کتابش سیزده فنّ بدیعی را متذکر می‌گردد که یکی از آن‌ها «اعنات الشاعر نفسه فی القوافی» است. آنگاه می‌گوید این سیزده مورد بعضی از محاسن الکلام است.» (رادویانی، ۱۳۸۶: چهار) «متوجه می‌شویم که این صنعت در شعر جاهلیت و در اشعار صدر اسلام استعمال می‌شده است و در کتاب ترجمه البلاغه که قدیمی‌ترین کتاب باقی‌مانده در خصوص بلاغت به زبان فارسی است و آن را رادویانی بر اساس کتاب محاسن الکلام نوشته است از صنعت اعنات نام‌برده است: اعنات، معنی وی آن بود که شاعر و دبیر تکلیفی کنند اندر نظم و نثر چیزی را که بر وی نبود. چنان‌که حرفی را نگاه‌دارند اندر قوافی» (رادویانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

## ۹. منابع

- ۱- جهانبخش، جویا. (۱۳۹۰). راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب، چاپ سوم.
- ۲- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۸). فرهنگ شاعران زبان پارسی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ۳- رادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۸۶). ترجمان البلاغه، به اهتمام دکتر محمدجواد شریعت، اصفهان: دژنپشت.
- ۴- سائیری، دیوان سائیری. نسخه خطی محفوظ در کتابخانه سلطنتی برلین. شماره ۳۰۴۶ [نسخه خطی].
- ۵- سعدی، ابو محمد مشرف الدین مصلح بن عبدالله بن مشرف. (۱۳۱۶). کلیات سعدی، تصحیح عبدالعظیم قریب و محمدعلی فروغی، تهران: جاویدان.
- ۶- سیوری، راجر. (۱۳۸۴). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: آگاه، چاپ سوم.
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۸). زبور پارسی. تهران.
- ۸- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). غزلیات شمس تبریزی، مقدمه، گزینش و تفسیر، تهران: سخن.
- ۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). موسیقی شعر. تهران: آگاه.
- ۱۰- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). معانی. تهران: نشرمیترا.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۳/۱، چ ۵. تهران: فردوس.
- ۱۲- قویمی، مهوش. (۱۳۸۳). آوا و القا. تهران: هرمس.
- ۱۳- لطفعلی بیگ، آذر. ۱۳۳۷. آتشکده، مصحح: حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- مؤتمن، زین العابدین. (۱۳۳۹). تحول شعر فارسی. چاپ شرق.
- ۱۵- نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمدطاهر. (۱۳۶۱). تذکره نصرآبادی.
- ۱۶- نوریان، مهدی. (۱۳۸۶). از کوهسار بی‌فریاد. تهران: جامی.
- ۱۷- برگ بیدونی، سهراب. (۱۳۹۴). «تکرار یکی از عوامل مهم زیبایی کلام و تشخیص شعر حسین منزوی». فصلنامه زیباشناسی ادبی، سال سیزدهم، شماره ۲۶.

۱۸- پایگاه اطلاع‌رسانی کتابشناسی ملی ایران ([www.nlai.ir](http://www.nlai.ir))

۱۹- پایگاه اطلاع‌رسانی ایران داک ([www.Irandoc.com](http://www.Irandoc.com))

۲۰- پایگاه اطلاع‌رسانی نورمگز ([www.Noormags.com](http://www.Noormags.com))

## The arrangement of poems in Sayeri Divan

Soraya Islamikho, Mohammad Hakim Azar and Asghar Rezapourian

1-PhD student, Department of Persian Language and Literature, Shahr Kord Branch, Islamic Azad University, Shahr Kord, Iran. sorayaeslamikhoo@gmail.com

2-Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahr Kord Branch, Islamic Azad University, Shahr Kord, Iran. (responsible author). Hakimazar@gmail.com

3- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahr Kord Branch, Islamic Azad University, Shahr Kord, Iran. rezaporian@gmail.com

### Abstract

In poems divan (book of poems) of most poets, the arrangement of poems is alphabetical, based on rhyming alphabet of poetry. But some poets have used another method to arrangements the poems in their divan, sayeri mashhadi is one of these poets. He is a shia poet from the safavid era that arrangements of his poems based on visual repetitive words. The tactics that he has used in repetitive words causes the music boost, beat, continuity and coherence of the text and by these tactics he has created a special poetic style for himself. Sometimes repetitive words in his poetry have obvious and hidden signs which phonetically and semantically make the structure of the text and these repetitive words emphasize the poet's desired feeling and mattering. Considering that the style of the poet it is not separated from the worldview, personality and spirit of the poet, as a result it is possible to get acquainted with the intellectual coordinates of the poet by identifying the poet's unique style in composing poems in his divan, and also can be aware the poet's purpose. His purpose about this conscious repetition, is giving importance to the topic and attracting the attention of his audience, by insinuation and repetition, he penetrates fleeting emotions in his audience minds. And that's how he clearly showed the inseparable relationship between word and meaning. By studying the repetitive words in his poetry, it can be concluded that he is a semanticist and naturalist poet. In this research, library method and analytical-statistical method were used.